

آموختم همه آنهای که به من بدی کرده اند را ببخشم، که کینه قبل از اینکه قلب انسان را سیاه کند فکرش را از کار می اندازد،  
آموختم گره های کوری که از عشق دیگران در قلبم است را پاک کنم، که عشق زمینی قبل از اینکه فکر را از کار بیندازد، روح را زمین گیر می کند.  
آموختم اگر بخاطر زیبای کسی را انتخاب کنم، بخاطر زشتیهایش رهایش می کنم پس انتخابم باید به گونه ای باشد که نفرت در پی نداشته باشد والا بهتر است انتخابی نباشد.  
آموختم کسانی که از زندگییم حذف شده اند را برای همیشه فراموش کنم، چون یا آنها لیاقت مرا نداشتند و یا من لیاقت آنها را، و یا اینکه از ابتدا متعلق به هم نبودیم، پس چرا درگیر کسی باشم که اشتراکمان لا اقل یکی از ما را تهی می کند  
آموختم نباید انسانها را برای خود بزرگ کنم، برای بزرگ دیدن دیگران باید بیش از حد به آنها نزدیک شد و نزدیکی ماهیت بزرگی را از بین می برد.  
انسانها مسافرانند، اگر کسی به تو بدی کرد کوله بارش در این سفر سنگین تر می شود، اگر پا گیر عشق آنها شوی سفرت طولانی تر می شود. اگر کینه به دل گیری گامهایت سنگینتر می شود. غمگین نباش که غمگینی باعث می شود گامهایت کوتاه شوند، به دنبال همسفر نباش چون همه انسانها با تو همسفرند، مقصد همه یکیست... از لحظه ها لذت ببر، لبخند زن و کوله بارت را سبک کن چون در مقصد آن را از تو می گیرند، این کوله بار متعلق به تو نیست!!!